

مدرسهٔ شهری

شماره ۴۰ پاییز ۹۴

No.40 Autumn 2015

■ ۳۸۳-۳۹۸ ■

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۵/۳۱

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۲۰

شناخت والویت بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک های MADM شهرستان ماسال

گیتی مرادی اسطلخ زیر* - استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

Identify and prioritize appropriate patterns of rural housing in sustainable development of rural architecture using MADM techniques at Masal-city

Abstract

Architectural structures of the rural environment are considered as important outcomes of human activities that over the centuries, according to the strong logic of the social and cultural environment have evolved. This means that the morphology and spatial patterns of rural architecture gradually in line with the estimating of socio-cultural needs of the resident population (to meet residency requirement, to provide the privacy of the household and production system) and interaction with the physical environment have developed. Rural settlements are spatial-space phenomena that are the result of human interaction with each other and with the environment which in addition to interactions between internal components (natural, social, economic, physical, space) are in contrast with other systems and external forces. Thus, the settlements represent the human roles that over time and according to the conditions are formed and organized. Accordingly, the rural settlements space according to the mentioned specifications has certain structure and determined actual and potential talent that in certain areas are affected by internal and external forces, for whatever reason are at odds with each other. So that, if the system and performance of this spatial organization be impaired, rural settlements are unsustainable. This study aimed to identify optimal patterns of housing and its role in sustainable development of rural architecture. The population of rural settlements in Masal city is 8351 that using the Cochran-sampling, 368 samples were selected. First, using the Delphi technique, the architecture and construction of rural housing patterns were identified correctly and were divided into 5 groups. Finally, using statistical method sand techniques MADM such as AHP and TOPSIS, these factors were prioritized. The results of this study indicate that among the five factors that affect housing construction, economic factors have the greatest impact. This factor with $C_i=0.987$ has had the greatest role.

Keywords: Rural Housing, Rural Architecture, MADM- AHP- TOPSIS- Masal city

چکیده

ساختمانهای معماری محیط‌های روستایی برآیندهای با اهمیت فعالیت انسان بشمار می‌آیند که در طول قرنها مطابق با منطقه‌های قوی اجتماع- فرهنگی و محیطی شکل و تحول پیدا کرده‌اند. این بدان معنی است که مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا بتدریج در راستای برآورد نیازهای اجتماعی- فرهنگی جمعیتهای ساکن (پاسخگویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت حریم خانوار و نظام تولیدی) و در تعامل با محیط فیزیکی اطراف توسعه پیدا کرده‌اند. سکونتگاه‌های روستایی پدیده‌های فضایی- مکانی می‌باشند که حاصل روابط متقابل انسانها با یکدیگر و با محیط هستند که علاوه بر کنش بین اجزاء درونی (طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فضایی) در حال تقابل با سایر نظام‌ها و نیروهای بیرونی قرار دارند؛ لذا این سکونتگاه‌ها نمایانگر نقش‌های انسانی هستند که به مرور زمان و با توجه به شرایط مذکور شکل گرفته و سازمان یافته‌اند. بر این اساس فضای سکونتگاه‌های روستایی با توجه به ویژگیهای ذکر شده دارای ساختار و استعدادهای بالقوه و بالفعل معینی می‌باشند که در مکانهای معینی تحت تاثیر نیروهای بیرونی و درونی به مرد دلیل در تقابل با یکدیگر قرار دارند به گونه‌ای که اگر نظام و عملکرد این سازمان فضایی دچار اختلال گردد، سکونتگاه‌های روستایی ناپایدار می‌گردد. هدف این پژوهش شناخت الگوهای بهینه مسکن و نقش آن در توسعه پایدار معماري روستا می‌باشد و جامعه آماری مسکن روستایی شهرستان ماسال با ۸۳۵۱ سکونتگاه می‌باشد که با استفاده از نمونه گیری کوکران نمونه انتخاب شد. در ابتدا با استفاده از تکنیک دلفی الگوهای صحیح معماري و ساخت مسکن روستایی شناسایی گردید و در ۵ گروه تقسیم بندی شد و در نهایت با استفاده از روش‌های آماری و تکنیکهای TOPSIS و AHP نظری MADM نتایج این بررسی حاکی از آن است که بین عوامل پنجگانه موثر بر ساخت مسکن عامل اقتصادی بیشترین تاثیر را دارد این عامل با $C_i=0.987$ بیشترین نقش را داشته است.

وازگان کلیدی: مسکن روستایی، معماری روستا، MADM-AHP-TOPSIS، شهرستان ماسال.

مقدمه

یکباره به دلایل اقتصادی یا سیاسی در سبک معماری تغییرات ناگهانی ایجاد کرد (موسوی و صالحی، ۱۳۸۴) ساختارهای معماری محیط‌های روستایی برآیندهای با اهمیت فعالیت انسان بشمار می‌آیند که در طول قرنها مطابق با منطقه‌ای قوی اجتماعی- فرهنگی و محیطی شکل و تحول پیدا کرده‌اند. این بدان معنی است که مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا بتدريج در راستای برآورد نيازهای اجتماعی- فرهنگی جمعيتهای ساكن (پاسخگویی به نياز سکونت، تأمین امنیت، حریم خانوار و نظام تولیدی) و در تعامل با محیط فیزیکی اطراف توسعه پیدا کرده‌اند. چنین تفکری بويژه موقعیکه آن را در چهارچوب روابط دوجانبه محیط طبیعی و در بستر تاریخ اش مدنظر قرار دهیم محیط انسان ساخت را عنوان ظرف معنی تبیین و تعریف می‌کند. زیرا انسان موقعی تمایل به ساکن شدن دارد که بتواند محیط پرمعنایی را تجربه بکند (Norberg-Schulz، ۱۹۸۰؛ زندگی روستایی و نوع نگرش به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید، و شیوه‌های بهره‌وری باعث می‌شود تا اجزاء محیط به مطلوبترین و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه‌ای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارایی شکل گیرد. (سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

سکونتگاه‌های روستایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط، در طی فرایندهای متاثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی خود شده‌اند، که این امر موجب پدید آمدن مشکلات و نارسائی‌های فراوانی برای زیست و ادامه سکونت در این روستاها شده است. در این راستا شهرها بعنوان کانون برتر در هر فضای جغرافیایی تأثیرات گسترده‌ای بر روند دگرگونی فضایی روستاها با اشاعه الگوها و شیوه‌های معيشی خود داشته‌اند. سکونتگاه‌های روستایی، همچون تمام انواع سکونتگاه‌ها، لازم است علاوه بر عملکرد سکونتی،

توسعه پایدار یکی از جامع ترین مفاهیم در همه زمانها است. اهداف توسعه پایدار در همه سطوح سازمان فضایی (محلی، منطقه‌ای و جهانی) مطرح است سکونتگاه‌های روستایی تبلور فضایی و ایفای نقشه‌های انسانی می‌باشند که بر حسب شرایط محیط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی شکل گرفته و متحول شده و سازمان یافته اند که علاوه بر کنش بین اجزا درونی (طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی - فضایی) در حال تقابل با سایر نظامها و نیروهای بیرونی قرار دارد. هدف اساسی برنامه ریزی مسکن تأمین نیازهای فضایی فعالیتهای انسانی به منظور وضعیت مطلوبتر سکونت با توجه به محدودیتهای منابع و امکانات است هدف نهایی سیاست مسکن، عملکرد مطلوب و بهینه آن است (فرقانی، و صحرایی، ۱۳۷۳، ص ۸۷). سکونتگاه‌ها و الگوهای سکونتگاهی در اثر تعامل‌های پیچیده بین نیروهای فیزیکی (طبیعی)، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی متحول می‌شوند (دیوید چپ من، ۱۳۸۶، ص ۱۹). مقوله مسکن که خود از فاکتورهای بسیار مهم در زمینه سلامت زیست افراد است نخستین واحد جامعه و مهم ترین بخش سکونت انسانهاست (Rangwala، ۱۹۹۸:۶۲). معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاها و نیز مصالح ساختمانی مورد استفاده در ساخت و سازها از شرایط محیطی محلی و نیز آگاهی‌های جامعه روستایی تأثیر می‌پذیرد. آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش علائق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاها می‌تواند الگوی معماری روستایی را از شکل بومی خارج سازد. با وجود این، شناخت عوامل گوناگون مؤثر در معماری و خصوصیات مسکن روستایی می‌تواند واقعیات قابل توجهی را برای هدایت برنامه‌ریزی‌های طرح هادی روستایی در زمینه معماری و مسکن روستایی فراهم آورد. معماری هر ملتی خاص همان ملت و متناسب با فرهنگ آن مردم است و نمی‌توان

دریی شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۸۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۸۳

آسیب‌پذیری در برابر سوانح طبیعی و ضعف سازه‌ای نیز می‌باشد، با درنظر گرفتن ضرورت مصون ساختن برنامه‌ریزی روستایی از اسلوب‌های برنامه‌ریزی صرف شهری، و با هدف انطباق مبانی و رویکردهای ذاتی روستاهای بر اساس ویژگی‌های روستاهای تاکنون بررسی‌های مختلف و متعددی برای استخراج و کشف این الگوهای نسبتاً عام در شکل‌گیری و تکامل بافت‌های روستایی انجام شده است و نتایج قابل توجهی نیز بدست آمده است.

پیشینه تحقیق

معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاهای نیز مصالح ساختمانی مورد استفاده در ساخت و سازها از شرایط محیطی محلی و نیز آگاهی‌های جامعه روستایی تأثیر می‌پذیرد. آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش عالیق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاهای تواند الگوی معماری روستایی را از شکل بومی خارج سازد.

Sangiorgi و GaukstadDragoni در مجله انجمن اروپا با تأکید بر شیوه‌های معماری مساكن روستایی به عنوان میراث فرهنگی و ملی ضمن اشاره به انواع مساكن سنتی در کشورهای اروپایی به نحوه معماری و شیوه‌های ساخت آن هم پرداخته اند. «کریستیان برومبرژ» در کتاب «مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان» (مطالعات مردم شناسی) به شیوه‌های اصیل زندگی در گیلان و معماری مساکن آن ناحیه پرداخته است. «ماکس درئو» نیز در جغرافیای انسانی، به مسائل مربوط به مساکن روستایی پرداخته است و در آن تجمعی و تفرق و ضریب تفرق و عوامل موثر در توضیح پراکندگی مساکن، را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. همچنین به انواع روستاهای و شکل آنها در نواحی مختلف پرداخته که به اجزای مسکن روستایی مانند: بام خانه‌ها را در سرزمین های مدیترانه‌ای و جنب مدیترانه، مصالح و نقشه خانه‌ها را مورد بررسی قرار داده و به تشریح بروز تحول در خانه‌های

از برخی عملکردهای دیگر، همانند عملکردهای اجتماعی- اقتصادی نیز برخوردار باشند. آشکار است که عملکردهای هر مکان، به وجود امکانات، فعالیت‌ها و روابط آن بستگی تمام دارد. بنابراین، وفور یا کمبود و یا حتی نبود آن‌ها در یک سکونتگاه، تعیین کننده جایگاه عملکردی و دامنه نفوذ فضایی آن خواهد بود (سعیدی و حسینی، ۱۳۸۸، صص ۲۷۴-۲۷۵). ورود تکنولوژی مدرن، تغییر ساختار تولیدی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، شاخص‌های فرهنگی تحولات گسترده‌ای را در الگوی مساکن روستایی ایجاد نموده است و روستاهای منطقه مورد مطالعه (شهرستان ماسال) نیز از این تغییرات بی بهره نبوده اند؛ از این‌رو، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی و مطالعه در خصوص شناخت الگوهای صحیح مسکن روستایی و ارتباط آن با توسعه پایدار روستایی می‌باشد زیرا مساکن روستایی این ناحیه از شیوه‌های معماري و سبک ساخت و ساز منحصر به فردی برخوردارند که بر گرفته از سنتها و فرهنگ و سایر مقوله‌های اجتماعی موجود در ناحیه می‌باشد و با تغییر این الگوی ساخت و ساز می‌توان به یک پایداری نسبی در معماری مساکن روستایی رسید که به دنبال خود می‌توانند توسعه یافتگی در زمینه معماری روستایی را به همراه داشته باشد.

مروری بر ادبیات موضوع

موضوع روستا و بافت و معماری آن، همیشه یکی از محورهای بحث‌های مطرح برنامه ریزان بوده است. سادگی روابط افراد جامعه روستایی و تلاش آنها در عرصه تولید باعث تمایز کالبدی روستاهای با شهرها شده است، خانه‌های روستایی به دلیل پیوند با طبیعت مبتنی بر اصول و ارزش‌هایی است که همزیستی با محیط زیست نامیده می‌شود. بر اساس شواهد و مطالعات صورت گرفته در مورد مسکن و معماری روستایی، واحدهای مسکونی روستایی ضمن برخورداری از ارزش‌های معماری همانند سادگی، الگوهای زیباشناختی، استفاده از مصالح و دانش بومی و غیره دارای مشکلاتی چون

در ترکیب فضاهای گوناگون و نحوه استقرار، نظام دسترسی، ویژگیهای ساختاری و کالبدی، فضاهای پر و خالی یا فضاهای باز و بسته مسکن را نمایان می کنند از طرف دیگر ویژگیهای اقتصادی افراد مهم ترین عامل در زمینه ساخت مسکن می باشد که بازتاب کیفیت زندگی افراد خواهد بود.

دیدگاهها و نظریه های الگوی ساخت مسکن روستایی

سکونتگاه های روستایی به مثابه واحدهای تماس و تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آینده تمام نمایی از مناطق روستایی هستند، جایی که تمدنها ریشه در آن داشته و گسترش یافته اند و در سراسر زندگی انسان پخش شده اند. واحدهای روستایی که نمایانگر ریخت شناسی اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مهندسی تعامل انسان روستایی با زیست جغرافیایی سرزمین در قلمروهای روستایی هستند. در مدل قطاعی هومر هویت که در سال ۱۹۳۹ ارائه شد، اجاره و ارزش زمین به عنوان شاخصی در نظر گرفته شد که با توجه به محورهای ارتباطی، مکانهای ساخت به محورهای تقسیم شد که محله های فرو دستان در محورهای کم سود و کم ارزش واقع شده بود (یه فروز، ۱۳۷۴، ص ۳۰۴). مدل های اقتصاد سنجی که در الگوی ساخت مسکن مورد استفاده قرار می گیرند عبارت است از یک دسته روابط برقرار کمی که بین متغیرهای اجتماعی و اقتصادی برقرار است. الگوی مسکن در این مدل تابعی از عوامل مختلف مانند نزدیکی سرمایه گذاری در مسکن، میزان اجاره، میزان اعتبارات ساختمنی و بهره آن، تخصیص اعتبارات دولتی، شاخص قیمت مصالح و دستمزد کارگر ساختمنی، شاخص قیمت زمین و شاخص قیمت سوخت و آب برق و سایر تسهیلات سکونتی است (رفیعی، ۱۳۶۰، ص ۸). بافت کالبدی روستاهای علاوه بر دخالت مستقیم افراد جامعه از عوامل محیطی نیز تأثیر می پذیرند. شدت تأثیر گذاری این عوامل گاه بواسطه توانایی های انسانی کاهش می یابد

روستایی پرداخته است. «پروفسور تولون» در کتاب «جغرافیای سکونت و سکونتگاه های روستایی» به بررسی وضعیت مسکن و تاریخچه پیدایش مسکن و سکونتگاه های روستایی پرداخته است و انواع سکونتگاه ها را بخصوص در کشورهای در حال توسعه با توجه به نوع معیشت و فعالیت اقتصادی آنها به طور مفصل تشریح نموده است. «حسن افراخته» در کتاب «برنامه ریزی سکونتگاه های روستایی» ساخت و سازهای روستایی را بخشی از توسعه روستایی می دارد و سازمان فضایی زیستگاه های انسانی را نتیجه مستقیم فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و نهادی تشریح می دارد.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می گیرد که شامل تمامی خدمات و تسهیلات ضروری موردنیاز برای بهترزیستن خانواده و طرحهای اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست بلکه کل محیط مسکونی را شامل می شود. به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سرینه صرفاً فیزیکی است و تمامی خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهترزیستن انسان را شامل می شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم باشد (مخبر، ۱۳۶۳). از نظر «دیوید چپ من» سکونتگاهها و مسکن انسانی جز با تحرک و فعالیتهای انسانی نمی توانند وجود داشته باشند و مسکن در گذر زمان با توجه به شرایط فرهنگی اقتصادی و محیطی تغییر می کنند. همچنین «ونس» به روشنی نشان می دهد که حمل و نقل و مخصوصاً تغییرات در فناوری آن پیامدهای عمیقی بر شکل سکونتگاه و شبکه سکونتگاهها دارد. در مسکن مناسب روستایی عواملی همچون اقلیم، ویژگیهای جغرافیایی، وضعیت زمین و معیشت ساکنین خانه ها، سنت سکونت، شیوه های زیستی، قومی، عشیره ای و شیوه های ساخت بنا و ... همگی در ساختار فضایی مسکن موثر هستند. این عوامل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۸۵

۲. ساخت مسکن روستایی با الگوی بهینه چگونه موجب توسعه پایدار روستایی می‌گردد؟
۳. معیارهای مرتبط با الگوی ساخت سکونتگاهها در راستای توسعه پایدار کدامند؟
۴. چه عواملی زمینه ساز تغییر در الگوی ساخت مسکن روستایی شده‌اند؟
حفظ هویت و تاریخ یک روستا از جمله مواردی است که نباید در کنار مقاوم سازی و اصولی سازی ساختمان‌ها به فراموشی سپرده شود. نیاز به ارائه الگوهای متنوع ساخت و ساز برای روستاهای نقاط مختلف کشور از جمله اقداماتی است که به آن کمتر پرداخته شده و بی توجهی به این امر منجر به رشد ساخت و سازهای ناموزون در روستاهای شده است. ارائه الگوهای مناسب جهت ساخت مسکن روستایی با رعایت موارد صنعتی سازی ساختمان، از جمله وظایف سنگین جامعه مهندسی و معماری کشور می‌باشد. در تحقیق حاضر که از نوع کاربردی- توسعه‌ای و روش آن توصیفی- تحلیلی است با توجه به بررسی کلی الگوهای ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه اطلاعات جمع آوری شده است وسیس عوامل موثر بر الگوی ساخت مسکن با توجه به تکنیک دلفی شناسایی گردید و در نهایت با استفاده از تکنیک های MADM عوامل و مولفه‌های شناسایی شده الیت بندی شده است. با توجه به اهداف پژوهش و ماهیت تحقیق، مناسب‌ترین روش برای گردآوری اطلاعات موردنیاز استفاده از پرسشنامه بود که از سه نوع پرسشنامه استفاده شده است.

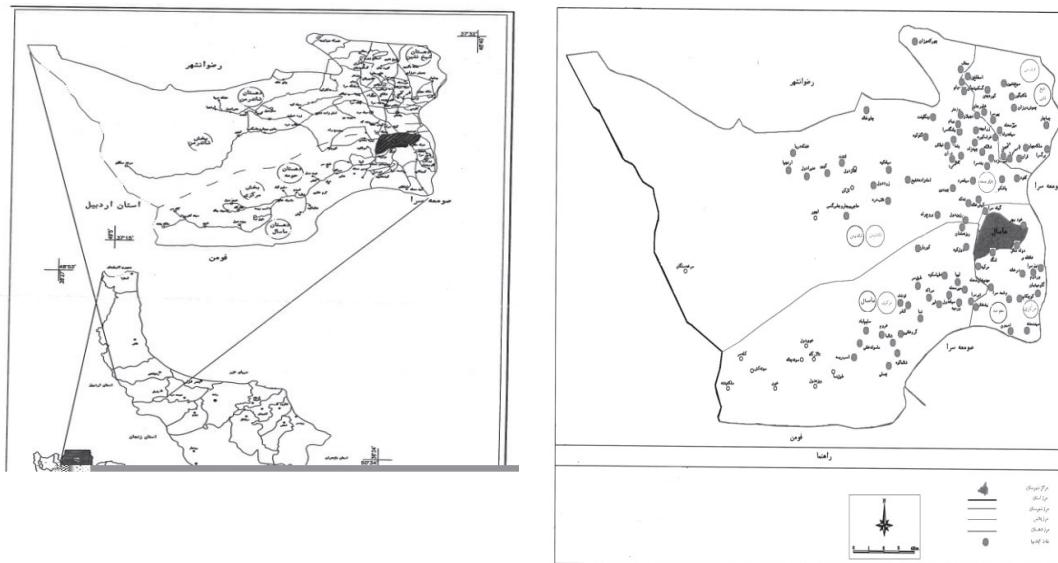
۱. پرسشنامه اطلاعات عمومی: شامل مشخصات فردی خانوارها مشتمل بر درآمد، سطح تحصیلات، مدت اسکان؛ تعداد افراد خانوار؛ میزان درآمد؛ نوع فعالیت اقتصادی.
۲. پرسشنامه رتبه بندی عوامل و مولفه‌های موثر بر الگوی ساخت مسکن روستا.
۳. پرسشنامه روستا مبتنی بر سطح پایداری و توسعه یافته‌گی روستا بر اساس نوع ساخت و الگویابی صحیح مسکن روستا و نوع معماری سکونتگاهها و

ولی همواره تأثیرات خود را بر شکل بندی کالبد و سازمان فضایی روستا حفظ می‌کند؛ بنابراین خصوصیات کالبدی ساخت سکونتگاه‌ها تحت تأثیر دوگروه کلی عوامل مرتبط با محیط یا طبیعت و انسان شکل می‌گیرد. در زمینه استفاده بهینه از فضاهای موجود در معماری بومی روستاهای باید از پراکنده شدن واحدهای مسکونی در فضاهای روستایی جلوگیری شود، از بافت مسکونی بیشتر استفاده شود و شیوه‌ها و فنون بکاررفته در معماری مسکن روستایی با افیم جغرافیایی هماهنگ شود. همچنین سکونتگاههای روستایی به طور همه جانبه به ویژه از لحاظ شکل استقرار و توجه به عوامل طبیعی مانند اقلیم، توپوگرافی، آب و خاک و میزان توسعه یافته‌گی اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد.

روش شناسی تحقیق

در نواحی شمالی کشور مجموعه‌ای از الگوهای عام تجربه شده در شکل‌گیری و توسعه کالبدی روستاهای کشور موثر است که ساکنان در ساخت و توسعه کالبد روستای خود بکار گرفته‌اند. بسیاری از این الگوها نتیجه وجود یک عامل قوی اثرگذار در روستا است. عوامل اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی جزء مهمترین عوامل موثر در شکل‌گیری الگوهای بافت روستایی محسوب می‌شوند که بیشترین تنوع الگوهای بافت روستایی موجود را بوجود آورده‌اند. بطور قطع و یقین نمی‌توان بین این عوامل از نظر میزان تاثیرگذاری آنها در شکل‌گیری الگوها، ارزش‌گذاری مشخصی انجام داد. اهمیت و قدرت تاثیرگذاری هریک از این عوامل در تک‌تک روستاهای بطور مناسب تری قابل اولویت‌بندی است. بنابر این سوال اصلی تحقیق حاضر این است که الگوهای صحیح مسکن روستایی که منجر به شکل گیری مسکن پایدار و در نهایت توسعه پایدار می‌شود کدامند؟ و سوالهای زیر در راستای آن مطرح می‌شود:

۱. چه عواملی در الیت بندی الگوهای ساخت مسکن روستایی موثرند؟



شکل ۱. پراکندگی نقاط روستایی شهرستان ماسال و شکل ۲. موقعیت شهرستان ماسال در تقسیمات سیاسی

جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی تشکیل یافته است. جمعیت این شهرستان ۴۸۰۹۱ نفر است ۳۵/۶ درصد از جمعیت را شهرنشینان و ۶۴/۴ درصد از جمعیت را روستانشینان تشکیل می‌دهند. این شهرستان دارای ۹۸ روستا می‌باشد که جمعاً دارای ۸۳۵۱ سکونتگاه می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

انتخاب فرم و شکل مسکن روستایی
امروزه اغلب روستاییان در واحدهای مسکونی قدیمی ساکن هستند و به لحاظ بهره‌گیری از خانه‌های کهن و فاقد استقامت و استواری، سبک ساخت و ساز معماری قدیمی را مردود دانسته و از این خانه‌ها دل زده‌اند. میراث روستایی شامل معماری و چشم اندازهای ویژه آن است (Sabattini, Brigitte).

بیشتر روستاییان براین باورند که استفاده از مصالح جدید و گاهی همگونی و تلفیق آن با مصالح در دسترس بومی و تقليد از نقشه و تیپ و سبک ساخت و ساز شهری می‌تواند در افزایش پایداری و عمر مفید بناهای روستایی موثر واقع شود؛ اما واقعیت این است که نبود دانش فنی کافی و کارگران زبده و ماهر و نهایتاً غیبت سازمان‌های کنترل کننده در بخش‌های دور افتاده و روستاهای سبب شده است

تأثیر آن بر توسعه پایدار روستا.

از آنجاییکه پرسشنامه‌های مذکور بر پایه عوامل شناسایی شده در پیشینه تحقیق فراهم گردیده است بنابر این از نظر روایی تایید می‌شود و جهت تعیین پایابی آن و اثبات وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از دو نوع آزمون استفاده شده است: «آزمون یومن-ویتنی (u man-wietny)» و آزمون رتبه دار ویلکاکسون برای نمونه‌های مستقل و همچنین جهت سنجش پایابی از نرم افزار SPSS استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش مسکن روستایی در روستاهای شهرستان ماسال می‌باشد.»

محدوده مورد مطالعه

ناحیه مورد مطالعه شهرستان ماسال از شهرستان‌های شمالی دریای خزر در شمال ایران است. در شمال غربی استان گیلان قرار گرفته است. شهرستان ماسال در مختصات ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی از واقع شده است. وسعت این شهرستان در حال حاضر ۴۸۶ کیلو متر مربع است به طور متوسط در مناطق جلگه ای دارای ارتفاعی حدود ۲۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد (ژئوئید) می‌باشد. از نظر ناهمواریها، از سه ناحیه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۸۷

و بافت کالبدی روستاهای علاوه بر دخالت مستقیم افراد جامعه از عوامل محیطی نیز تأثیر می‌پذیرند. شدت تأثیرگذاری این عوامل گاه بواسطه توانایی‌های انسانی کاهش می‌یابد ولی همواره تأثیرات خود را بر شکل بندی کالبد و سازمان فضایی روستا حفظ می‌کند. بنابراین خصوصیات کالبدی روستاهای تحت تأثیر دو گروه کلی عوامل مرتبط با محیط یا طبیعت و انسان شکل می‌گیرد. روستاهای تکامل و توسعه خود را طی دو فرایند مبتنی بر حرکت طبیعی یا ارگانیک و برنامه‌ریزی از پیش اندیشیده شده دنبال می‌کنند. در شکل نخست، روستاهای براساس تعامل بین عوامل طبیعی و انسانی شکل می‌گیرند و تکامل می‌یابند. در این شکل گرچه برنامه‌ای شبیه آنچه در دوره معاصر در ادبیات برنامه‌ریزی روستایی درک می‌شود، وجود ندارد ولی انسانها براساس تجربه و خرد جمعی، روستاهای را به گونه‌ای که نیازهای آنها را تأمین سازد، شکل می‌دهند. در مقابل حرکت تکاملی روستاهای براساس برنامه‌ریزی اقتدارگرایانه، دارای تفاوت‌های اساسی با الگوی تکامل طبیعی است. در الگوی مبتنی بر برنامه‌ریزی، توسعه روستاهای مبتنی بر شناخت نیازها، رعایت کمیات مطلوب فضایی برای تأمین نیازها، جامع نگری شرایط و نیازها و نگرش به آینده روستاهای انجام می‌شود. مهمترین تفاوت دو الگوی توسعه روستاهای در استفاده از کمیات مطلوب فضایی است که عمدهاً نتیجه تلاش برنامه‌ریزان شهری برای هدایت منطقی و مطلوب توسعه شهری است. استفاده از این کمیات گرچه می‌تواند به تأمین نیازهای روستاهای کمک نماید ولی گاه در نقطه مقابل خواست و تمایل اجتماعی روستاییان و شرایط مطلوب زیست محیطی روستاهای قرار می‌گیرد.

الگوهای مسکن روستایی

در بافت روستایی ناحیه مورد مطالعه دو تیپ از مسکن وجود دارد.

۱. مسکن سنتی و بومی: این مسکن شامل مسکن موجود در نواحی کوهپایه‌ای می‌باشد و

که بیشتر ساختمان‌های جدید روستایی نیز همانند ساختمان‌های کهن و قدیمی، بسیار آسیب‌پذیر باشند. این موضوع یکی از مشکلات اساسی جوامع روستایی است، که لازم است چاره‌های کاربردی برای جلوگیری از گسترش این شیوه‌های احاذی اندیشیده شود، تا با اتخاذ رویه‌های نوین خطرات و پیامدهای بلایای طبیعی در مناطق گوناگون روستایی کاستی گیرد. ساخت و ساز متنکی به دانش فنی و مهندسی در روستاهای، با استفاده از سیستم‌های نظارتی و کنترلی بر ساخت و بهسازی واحدهای موجود مسکونی و استفاده درست از مصالح مرغوب ساختمانی سبب می‌شود به تدریج خانه‌های روستایی استوار و مقاوم پدید آیند. غالباً انتظار نمی‌رود که معماری به ظاهر نابسامان روستاهای دارای هندسه خاصی باشد. باید اذعان کنیم که این وجه از معماری روستایی ایران نیاز به تأمل بیشتری دارد.

«با این حال بعضی نشانه‌ها در دست است که نوعی هندسه در معماری خانه روستایی یا دیگر بناهای آن رعایت می‌شود. در بررسی نمونه‌های جمع آوری شده از روستاهای مختلف شهرستان ماسال، به وجود یک تناسب هندسی جالب در پلان و حتی در نماهای ساختمان‌ها پی برده شد. خصوصاً جاذبه کار وقتی افزایش می‌یابد که معلوم شود، تناسب را در بسیاری از نمونه‌ها می‌توان ردیابی کرد. هزینه مسکن را می‌توان به منزله معیار دسترسی خانواده‌ها به مسکن قابل قبول و محیط مناسب به شمار آورد» (زنگانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۹).

تغییرات ایجاد شده در زندگی روزمره مردم نشان از به وجود آمدن دیدگاه جدیدی در جوامع مختلف گردیده است. مباحثی از قبیل صرفه جویی، توسعه پایدار، و بومی‌سازی نوید آینده‌ای روشن برای آیندگان را به دنبال خواهد داشت. هدف از حرکت به سمت توسعه پایدار، کاهش آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از صنعت بتون و توجه به منابع طبیعی که سرمایه‌هایی برای نسل‌های آینده اند، می‌باشد. فرم و شکل مساکن روستایی

۱. در اکثر روستاهای خراسان جز در مناطق کوهستانی، مسکن عمدها در یک طبقه (همکف) ساخته شده است. اما در نواحی کوهستانی به علت کمبود زمین، مسکن در دو طبقه ساخته می‌شود که معمولاً طبقه همکف اختصاص به نگهداری حیوانات دارد.
۲. با گسترش خانواده امکان گسترش مسکن وجود داشته است.
۳. در مساکن سنتی به دلیل وجود دیوارهای قطور، پنجره‌های معدهود و کوچک و سقف‌های نسبتاً کوتاه حداقل انرژی برای گرم کردن و سرد کردن ساختمان لازم است.
۴. مصالح ساختمانی بیشتر بومی و کم دوام است (خشتمان خام، کاه‌گل، سنگ لاشه، چوب)، در مناطق کوهستانی بویژه در مناطقی که جنگل وجود داشته است، از چوب درختان جنگلی در ساختمان سازی استفاده شده است.
۵. مسکن سنتی از نظر امکانات رفاهی (آب لوله کشی، حمام، توالت بهداشتی، آشپزخانه) در محدودیت بوده است.
۶. مساکن معمولاً در روی زمین‌هایی که قابل کشت نبوده اند (در روی دامنه‌ها و تپه‌ها) ساخته شده اند.
۷. ساخت و تعمیر مسکن توسط خانواده و با همکاری اقوام و همسایگان و معمولاً در مدتی کوتاه انجام می‌شده است.
۸. مسکن سنتی روستایی معمولاً یک کالای اقتصادی نبوده است. در ساخت آن نیز معمولاً پولی بابت مزد پرداخت نمی‌شده است. همچنین مسکن سنتی معمولاً خرید و فروش نمی‌شود.
۹. علاوه بر مصالح ساختمانی بومی، وسائل داخل مسکن هم عمدها محدود به وسائل سنتی بوده که در روستا ساخته می‌شده است.
۱۰. مسکن سنتی اکثر روستاییان از نظر معماری بسیار ساده است و همگنی‌های بر شمرده را دارا می‌باشد. اما همین تجانس از نظر معماری، شکل و
۱۱. مسکن جدید که با الهام از مصالح مدرن و شهری بنا شده اند که قدمتی کمتر از ۱۵ سال دارند. معماری روستایی و بومی دارای خطوط ارتباط مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره آن‌هاست. که با توجه به موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های آب و هوایی، آداب و رسوم، ارزش‌ها و عقاید در طول تاریخ و به مرور زمان شکل می‌گیرد و در صورت لزوم به آرامی و به تدریج تغییر می‌کند؛ بنابراین معماری هر ملت، خاص همان ملت و متناسب با تمام عناصر فرهنگ آن ملت می‌باشد و نمی‌توان به یک بار و به دلایل اقتصادی و سیاسی در سبک معماری تغییرات ناگهانی ایجاد کرد. مهمترین نقش‌ها و کارکردهای مختلف مسکن در جوامع گوناگون را می‌توان به شرح زیر عنوان نمود: «استراحتگاه و محلی برای رفاه و امنیت، به عنوان کارگاه، به عنوان انبار، عنوان مکان نگهداری دام و طیور، فضایی به عنوان محل عبادت.»
۱۲. مصالح به کار برده شده در مساکن روستایی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

 - ۱- مصالح ساختمانی معدنی؛ ۲- مصالح ساختمانی بیولوژیک
 - گل، خشت خام، خاک رس (خام یا پخته)، سنگ، شیست، آهک، شن، سنگریزه به عنوان مصالح ساختمانی معدنی، تنۀ درختان، تخته، شاخه‌ها، علف‌ها، برگ‌ها، پوست درختان، چرم و پوست‌ها، بافتی‌های مشکل از الیاف به عنوان مصالح ساختمانی بیولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرند. از موارد عمده‌ای که در کیفیت نامطلوب مسکن روستایی موثر می‌باشد می‌توان به سه موضوع ذیل اشاره نمود: «۱- عوامل موثر در ضعف تکنیکی ساخت و ساز؛ ۲- وجود مصالح کم دوام و عدم استفاده مناسب از آن در ساختمان‌های روستایی؛ ۳- بی توجهی به مقاوم سازی.»
 ۱۳. به طور کلی ویژگی‌هایی که می‌توان برای مساکن سنتی در روستاهای بر شمرده عبارتند از:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۸۹

فرصت طراحی قلمداد می شود. مصالح نام آشنای بناهای امروز ما آجر، سنگ، گچ، آهن و فولاد و بتن و شیشه اند در حالی که در طول ۱۰ سال اخیر تاثیر عمده مصالح طبیعی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال تقاضاهای مربوط به سازهای چوبی، کورتن استیل، اکسیدایزد کوپر، روی، آجر کوره ای چند رنگ و انواع جدید بتن نشان دهنده این موضوع هستند.

پیشرفت های جدید، علاقه و اشتیاقی روز افزون را به انواع مختلف مصالح و تکنیک های جدید، چند منظوره و شگفت آور نشان می دهد که به کمک آنها ایده هایی را که زمانی غیر ممکن و نامعقول به نظر می رسید، عملی و قابل درک کرده است. نباید این نکته را از خاطر برد که ایده هایی که درامر ساخت و ساز یک بنا ارتباط تنگاتنگی با وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه دارند. علاوه بر این مطلب جریانات عمده و مهم آینده ما را نیز موضوعاتی همچون توجه به محیط، سلامت عمومی، ارزشمند کردن پول و روش زندگی آینده تشکیل می دهند. در توضیح بیشتر باید گفت که محیط زندگی آینده ما وابسته مسایلی چون کم کردن استفاده از مصالح، پایداری و چرخه حیات، برگشت پذیری محصولات و مصالح و صرفه جویی در انرژی است. سلامت عمومی جامعه را نیز شرایط کاری راحت و ایمن، محیط کار و زندگی پاکیزه و سالم تامین می کند. ضمن اینکه صنعتی شدن، انعطاف پذیری در ساخت و ساز، استفاده از محیط شهری به طور منعطف، توسعه کیفی و تولید و ساخت سریعتر باعث ارزشمند تر شدن پول خواهد شد و شیوه خانه داری، باز تولید و وجود خانه های انعطاف پذیر در شیوه زندگی آینده ما موثر خواهد بود. نگاه جدید به شیوه ساختمان سازی، استفاده از مصالح جدیدی را نیز طلب می کند. هر چند ممکن است تکنولوژی ساخت یا شیوه اجرا در استفاده از این مصالح هنوز غریب و نا آشنا باشد، اما شناخت این مصالح جدید و کشف خصوصیات آنها کمک

فرم، نحوه آرایش داخلی مسکن و نحوه استفاده آن گویای فرهنگ هر یک از اقوام بوده است.

عوامل تأثیرگذار در معماری مسکن روستایی عبارتند از:

الف- محیطی- اکولوژیک: دگرگونی چهره های معماری روستایی در ارتباط با شرایط اقلیمی حکایت از سنتیز مستمر و پی گیر معماران جوامع کوچک روستایی، طبیعت چندگونه و ناسازگار این سرزمین می کند.

ب- اجتماعی- فرهنگی: از مهم ترین عوامل انسانی که در ساختمان مسکن و شکل گیری آن موثر است، فرهنگ، سنت، اعتقادات، امنیت و... می باشد.

ج- اقتصادی: نخستین قدم در بنای خانه و ملحقات آن تطبیق فضای مسکن با فعالیت های اقتصادی یعنی اشتغالات و تولید ساکنین است. نوع مصالح به کار رفته در نقاط مختلف نیز بر اساس وضعیت مالی روستاییان تغییر می کند. نظام معیشت موجب شکل گیری تعدد و تنوع خاصی از فضاهای مسکن شود که نتیجه آن توسعه سطح زیربنای مسکن است. شغل ساکنین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در چگونگی چیدمان فضایی واحد های مسکونی روستایی می باشد. شکل جدید بناهای امروزی که متناسب با نیازهای بشر امروز است تنها به دلیل طراحی متفاوت نیست بلکه شکل اجرا و نوع مصالح به کار رفته در بنایان نیز در متفاوت بودن بناهای امروزی تاثیر بسیاری دارند. بشر امروز وارد دوران جدیدی از زندگی خود شده است و به همین خاطر نیز نسبت به بسیاری از مسایل حساس ترا از قبل عمل می کند. نگاه جدید انسان ها به حفظ محیط زیست و صرفه جویی در مصرف انرژی، حاصل این دیدگاه جدید است. بدون مصالح، محصولی وجود نخواهد داشتدر بناهای دو دهه گذشته، هم ملاحظات تکنیکی و هم زیبایی شناختی مورد توجه بوده اند؛ در این میان پیشرفت های جدید مهندسی مواد خود موجب افزایش امکانات تکنولوژیک شده است و همانند جنبه زیبایی شناسانه مصالح به عنوان یک



شکل ۳. نمایی از مسکن سنتی با مصالح بومی و شکل ۴. نمایی از مسکن جدید با مصالح امروزی.

در ابعاد خاصی، وضعیت مسکن را شکل می دهد. این عوامل را می توان تحت عنوان شاخصهای ساخت مسکن روستایی تقسیم بندی نمود:

۱. شاخصهای اقتصادی: توجه به میزان درآمد یک خانوار، نوع شغل افراد، محیطهای کاری و امکاناتشان و غیره، از موارد مهم جهت ایجاد یک موقعیت مناسب اقتصادی می باشد، یکی از جهات توسعه اقتصادی ارتقای اقتصاد بر پایه محله است. در این زمینه تفکر اصلی تلاش برای دستیابی به محله کاملاً منطقی می باشد. سطوح مختلف دخالت دولت برای ارتقای پایداری در زمینه اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر است. با توجه به این نکته که شهرستان ماسال و موقعیت طبیعی پیرامونی آن، به منزله یک فضای تولیدی در حوزه‌ی کشاورزی و زراعت، دامپروری، تولید محصولات لبني عمل می نماید، تلاش برای توسعه این منطقه بعنوان یک زیربنای اقتصادی به خصوص برای مناطق اطراف بسیار اساسی می باشد.

۲. شاخصهای فرهنگی: فرهنگ در حکم یک مجموعه پیچیده (complex) که عناصر متعددی را اعم از فضاهای، رفتارها، اشیاء، باورها و غیره در یک جامعه شامل می شود، می تواند در راستای تسریع و تداوم فرآیند توسعه پایدار شهری، به مثابه یک کاتالیزور عمل نموده و نقش خود را به این نحو و در قالب چارچوبهای معین یک منطقه ایفا نماید. سطوح متعدد فرهنگی مانند سلایق، باورها، ارزش‌ها، علائق مردم یک شهر تأثیر بسزایی بر

مؤثری به ایجاد نیاز کردن آنها در جامعه ما خواهد کرد.

عوامل موثر بر الگوی معماری و ساخت مسکن

مهمنترین یافته‌های طرح بافت شناسی روستایی کشور در زمینه الگوی معماری روستاهای و مساکن در تعامل با نیروهای تسهیل‌گر یا محدودکننده طبیعی، اقتصادی و اجتماعی می باشد منظور از شاخص های مسکن، اطلاعات مناسب عملی درباره جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی مسئله مسکن است. شاخص های مسکن به سیاست گزاران کلان بخش مسکن کمک می کنند تا تصویر روشن تری از شرایط مسکن درگذشته،

حال و آینده به دست آورند و سیاستها و راهبردهای متناسبی اتخاذ نمایند. از این رو این شاخص ها از یک سو ابزار شناخت وضعیت مسکن در ابعاد مختلف هستند و از سوی دیگر، ابزار کلیدی برای ترسیم چشم انداز آینده مسکن و برنامه ریزی آن محسوب می شوند. به همین دلیل می توان شاخص های مسکن را کلیدی ترین ابزار برنامه ریزی و شالوده اصلی آن دانست. شاخص های مسکن در ایران تحت تاثیر دو نوع عوامل بیرونی و درونی قرار داشته اند.

عوامل بیرونی موثر بر مسکن، نظیر عوامل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، موجبات رونق و رکود مسکن را فراهم کرده اند و برنامه های مسکن کمتر در وضعیت کلی مسکن و بهبود شاخص های آن موثر بوده اند. عوامل درونی مسکن، که عمدتاً تحت تاثیر چگونگی و فرآیند برنامه ریزی مسکن قرار دارند نیز

جدول ۱. درجه و اهمیت و رتبه عوامل موثر بر الگوی ساخت مسکن با AHP

رتبه از نظر میزان درجه اهمیت	درجه اهمیت به دست آمده از AHP	عوامل موثر بر تعیین الگوی ساخت مسکن
۱	۰/۶۱۷	عوامل اقتصادی
۲	۰/۴۲۵	عوامل اجتماعی
۳	۰/۳۷۲	عوامل محیطی
۴	۰/۳۶۰	عوامل فرهنگی
۵	۰/۲۹۰	سایر عوامل

طبیعت شامل زمین، هوا و آب است و عوامل نشأت گرفته از این محیطها به عنوان عوامل طبیعی یا محیطی تلقی می شوند.

رتبه بندی عوامل و مولفه های موثر بر الگوهای صحیح مسکن روستایی

برای رتبه بندی و الیت بندی عوامل و مولفه های موثر بر الگوهای صحیح مسکن روستایی، روش های (MADM) و برای رتبه بندی مولفه های این عوامل نیز از روش (TOPSIS) استفاده شده است؛ ولی از آنجا که باید وزن عوامل موثر بر الگوی ساخت مسکن روستایی را داشته باشیم نخست روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در رتبه بندی و تعیین درجه اهمیت هر کدام از عوامل بکار رفت و سپس با بکارگیری وزنهای به دست آمده از این روش، مولفه های این عوامل با استفاده از تکنیک TOPSIS رتبه بندی شد. یافته های بدست آمده از رتبه بندی عوامل شناسایی شده، با روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به وسیله نرم افزار اکسل در جدول و نمودار آمده است. از دیدگاه ساکنان مناطق روستایی شهرستان ماسال از بین عوامل بررسی شده عامل اقتصادی و در آمد خانوارها بیشترین تاثیر را در تعیین الگوهای ساخت مسکن را دارد (لازم به ذکر است که ضریب نرخ سازگاری (C.R) برابر با ۱٪ می باشد که نشان دهنده انطباق نتایج با بررسی عوامل موثر می باشد).

چگونگی پذیرش یک الگوی توسعه ای از سوی آنها دارد. مسلمان این که مولفه های یک پارادایم توسعه بخش تا چه حد منطبق و براساس عوامل محیطی و بومی است، می بایست مورد توجه سیاست گزاران این عرضه باشد.

۳. شاخص ها و اصول اجتماعی: مسکن روستایی و کیفیت آن یکی از موارد مهم و مورد توجه در قالب برنامه ریزی کالبدی در مناطق روستایی است اجتماع انسانی در هر سکونتگاهی چه بر اساس دیدگاه های تجربی و چه بر اساس برنامه ریزی های جدید، در برخورد با محیط و تدمین نیازهای خود در محیط دارای تمایلات و علایقی است که آنچه می سازد، نتیجه تقابل علایق فردی و اجتماعی با محدودیت ها یا تسهیلات محیط طبیعی است. در روستاهای نیز جامعه روستایی برای استفاده از زمین، ایجاد شبکه معابر، مکانی یابی کاربری های مختلف، ساخت و ساز از تسهیلات محیط استفاده و محدودیت های آن را تحمل می کنند یا بر طرف می سازند. عوامل اجتماعی به برخی خصوصیات فکری، فرهنگی، آدابی و عرفی جامعه انسانی اشاره دارد که در فرایند شکل گیری و تکامل خصوصیات کالبدی روستا مؤثر هستند.

۴. شاخص های محیطی: این عوامل در ارتباط با محیط طبیعی در روستاهای هستند و جامعه روستایی دارای کنترل بسیار کمی بر آنها هستند. در این بحث

جدول ۲. رتبه بندی مولفه های عوامل اقتصادی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	C_i	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل اقتصادی
۱	۰/۹۰۲	۰/۵۲	۰/۲۲	میزان درآمد
۲	۰/۸۰۳	۰/۴۷	۰/۲۷	نقش شغل
۳	۰/۷۴۵	۰/۳۹	۰/۳۰	مقدار زمین
۴	۰/۶۵۷	۰/۲۸	۰/۴۲	ارزش زمین
۵	۰/۵۹۰	۰/۱۹	۰/۴۹	تسهیلات اعتباری بانکها
۶	۰/۵۶۶	۰/۱۶	۰/۵۱	تعداد افراد خانوار
۷	۰/۴۵۷	۰/۱۰	۰/۵۶	هزینه نگهداری

جدول ۳. رتبه بندی مولفه های عوامل اجتماعی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	C_i	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل اجتماعی
۱	۰/۷۸۶	۰/۷۸	۰/۴۵	وضعیت سواد (نقش سواد در انتخاب الگوی ساخت)
۲	۰/۶۹۴	۰/۶۲	۰/۴۷	امکانات زیر بنایی
۳	۰/۵۴۱	۰/۵۴	۰/۵۷	تأثیر پذیری از همسایگان
۴	۰/۴۳۱	۰/۴۱	۰/۵۹	الگوی ساخت منطقه
۵	۰/۳۲۶	۰/۳۲	۰/۶۵	نژدیکی به اقوام

دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۳۹۲

جدول ۴. رتبه بندی مولفه های عوامل محیطی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	C_i	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل محیطی
۱	۰/۶۵۴	۰/۵۳	۰/۳۵	وضعیت زمین مسکونی
۲	۰/۵۴۱	۰/۴۶	۰/۴۳	تأثیر شکل روستا
۳	۰/۴۸۹	۰/۳۹	۰/۵۴	تأثیر ناهمواری و شبیه منطقه
۴	۰/۳۹۷	۰/۳۱	۰/۵۹	تأثیر سوانح طبیعی
۵	۰/۲۹۰	۰/۲۷	۰/۶۱	اقلیم

جدول ۵. رتبه بندی مولفه های عوامل فرهنگی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	C_i	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل فرهنگی
۱	۰/۶۷۵	۰/۴۸	۰/۲۲	تاثیر مراکز آموزشی
۲	۰/۵۴۳	۰/۴۳	۰/۲۹	نقش مراکز فرهنگی (سینما، موزه و غیره)
۳	۰/۴۳۷	۰/۳۵	۰/۳۴	نوع بینش همسایگان
۴	۰/۳۸۹	۰/۲۹	۰/۴۳	تاثیر استفاده از خدمات آموزشی
۵	۰/۳۱۲	۰/۲۱	۰/۵۰	تاثیر خدمات روینایی
۶	۰/۲۵۶	۰/۱۹	۰/۵۶	نوع استفاده از مسکن

جدول ۶. تقسیم بندی مولفه های سایر عوامل بر اساس تکنیک TOPSIS

رتبه	C_i	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به سایر عوامل
۱	۰/۵۶۷	۰/۳۷	۰/۲۱	نوع مصالح
۲	۰/۴۵۶	۰/۳۱	۰/۲۵	نوع فعالیت خانوار
۳	۰/۳۶۷	۰/۲۸	۰/۳۶	مدیریت سازه
۴	۰/۳۱۲	۰/۲۳	۰/۴۲	ارتباطات
۵	۰/۲۹۸	۰/۱۹	۰/۴۹	حمل و نقل

الگو پذیری ساخت مسکن داشت ولی در حال حاضر عامل اقتصادی به عنوان اولین و مهم ترین عامل الگوی ساخت مسکن محسوب می شود. با تغییر شیوه زندگی و نگرش روستاپیان به مقوله مسکن عواملی در ساخت مسکن موردنوجه قرار گیرد که بیانگر کیفیت مسکن است و شامل فرم مطلوب مسکن، استحکام مسکن، امنیت مسکن، ایمنی، راحتی و میزان دسترسی و نیز فاصله مناسب ساکنان به تسهیلات و خدمات کالبدی محله، دسترسی به طبیعت و فضاهای سبز باز، تامین تجهیزات و تاسیسات (زیرساختها) مورد نیاز مسکن همچوایی مسکن با کاربری های سازگار این عوامل هفتگانه از مهم ترین معیارها و شاخص ها در تعریف و تبیین کیفیت مناسب مسکن هستند که توجه به آنها در ساخت و ساز، انجام تمامی فعالیت های زندگی ساکنان را به سهولت و کارایی مطلوب امکان می فرازد. این عوامل می توانند بر اساس مقدار C_i طبق فرمول بالا محاسبه می شوند. هرچه مقدار C_i بالاتر باشد درجه اهمیت عامل بالاتر است.

نتیجه گیری و جمعبندی

سکونتگاههای روستاپی پدیده فضایی- مکانی بوده و به همین علت شناخت و تبیین آنها در چارچوب روابط متقابل انسان انسان و محیط یک موضوع جغرافیایی بوده و در محور مطالعات جغرافیایی قرار دارد بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش الگوهای ساخت مسکن در شهرستان ماسال با توجه به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و سایر عوامل می باشد که هریک با شدت و ضعفی متفاوت از این عوامل تأثیر می پذیرند. در گذشته عوامل طبیعی یا محیطی و عوامل فرهنگی بیشترین تأثیر را در

عوامل طبیعی همچون سیل، زلزله، توفان، و حرکت ماسه‌های روان نیز نام برده که تمامی این عوامل مخل امنیت مسکن و ساکنان آن است و در واقع بر کیفیت مسکن تاثیر سوء می‌گذارد، پس معیار مصونیت در مقابل سوانح طبیعی از دیگر عوامل مطرح است. مقوله دیگری که در امنیت بایستی مدنظر قرار گیرد، امنیت نحوه تصرف مسکن است. امنیت نحوه تصرف سبب می‌شود که خانوار ساکن در واحد مسکونی، از نظر دورنمای سکونت خود احساس ایمنی کند و این امر آسایش روانی بیشتری برای آنها ایجاد می‌کند.

۳. اینمنی، راحتی و میزان دسترسی: در نظر گرفتن تسهیلات و خدمات مناسب، موجب افزایش سطح ارتقای بهداشت مسکن و در نتیجه سلامتی ساکنان آن می‌شود، از جمله عوامل موثر در این مقوله را می‌توان درصد برخورداری واحدهای مسکونی از یک، دو و سه اتاق خواب، میزان برخورداری از خدمات اساسی همچون شبکه برق سراسری، گاز لوله کشی، تسهیلات آشپزخانه، تلفن، کولر، سیستم فاضلاب و غیره دانست.

۴. دسترسی به طبیعت و فضاهای سبز باز: می‌توان گفت فضای سبز از مهم ترین ابزارهای دستیابی به توسعه پایدار است؛ باید توجه داشت که افزایش جمعیت نیاز به تامین فضای سبز عمومی را افزایش می‌دهد. به طور کلی استفاده از درخت پخصوص برای بالابردن کیفیت فضاهای کالبدی، مکمل سکونت یا به عبارتی موقعیت نسبی مسکن، می‌باشد مورد توجه قرار گیرد. الگوی مسکن از عوامل و شاخص‌های دیگری نیز تاثیر می‌پذیرد. جمعیت، محدودیت زمین و محدودیت گسترش به سمت خارج از روستا، از جمله عواملی هستند که باعث تغییر در الگوی ساخت می‌شوند. با توجه به تقاضا و نیاز حاصل افزایش جمعیت، الگوی ساخت از تک واحدی به دوطبقه و سپس به بلندمرتبه سازی تغییر می‌کند. نوع مصالح ساختمانی و شیوه‌های ساخت نیز زمانی مشخص می‌شود که استفاده

پذیر ساخته که تمامی این عوامل وابسته به شاخص‌های ذکر شده می‌باشد. همچنین در الگوی ساخت مسکن زمین، منابع مالی، نیروی انسانی و فن آوری، مصالح ساختمانی و مدیریت و نظارت‌زمین و چگونگی (واسعت و شکل قطعات) آن تعیین کننده فرم مسکن است، و نیروی انسانی، تعیین کننده کیفیت ساخت و ساز بوده و منابع مالی بر کیفیت و چگونگی ساخت و ساز و چگونگی استفاده از مصالح و نوع آن موثر است. به منظور حرکت صحیح عوامل در سه راس مثلث و برقراری ارتباط مابین آنها، مدیریت و کنترل صحیح و قوانین مدون موردنیاز است، همانگی تمامی این عوامل موجب رسیدن به فرم مطلوب مسکن و بالابردن سطح ارتقای کیفی می‌شود. برای رسیدن به یک الگوی مطلوب ساخت مسکن در منطقه مورد نظر علاوه بر عوامل یاد شده توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. فرم مطلوب مسکن: مسکن یکی از نیازهای اصلی انسان است، از این رو به منظور تامین آن و رسیدن به فرم مطلوب بایستی ۵ عامل اساسی را مدنظر قرار داد که عبارتند از: استحکام مسکن، رعایت مسائل فنی و اصول و قضاوی مهندسی در طراحی و اجرای سازه‌ها بایستی همواره مدنظر مهندسان و معماران باشد، به همین جهت لزوم بررسی ژئوتکنیکی، بررسی مصالح ساختمانی مقاوم، شناسایی گسلهای موجود، شیوه‌های مقاوم سازی و لزوم تجدیدنظر در آئین نامه‌ها و مقررات، کاملاً محسوس است. علاوه بر مسائل فوق، با آشنایی مهندسان به تکنیک‌های مقاوم سازی مدرن و به روز می‌توان الگوهای مقاوم، ارزان و مناسب طراحی کرد.

۲. امنیت مسکن: امنیت، در واقع حفاظت از مسکن و وسائل آن در مقابل عوامل مستقیم و غیرمستقیم است که موجب ضرر رساندن به مسکن و در واقع عدم امنیت آن می‌شود. عوامل مستقیم که امنیت را به خطر می‌اندازند شامل دزدی، آتش سوزی هستند. عوامل غیرمستقیم نیز، آلوده کردن آب، هوا و زمین است. البته در این مقوله می‌توان از

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۹۵

وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخصهای مسکن روستایی در ایران، فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۳۹.
فرقانی، محمد باقر و محمد علی صحرایی (۱۳۷۳) برنامه ریزی مسکن نمونه موردی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
مخبر، عباس (۱۳۶۲) ابعاد اجتماعی مسکن، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
موسوی، اعظم و صالحی، فرحتناز (۱۳۸۴) بررسی ابعاد اجتماعی الیستی و جدید مسکن روستایی، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۲.
Christian Norberg-Schulz, 1980, Meaning In Western Architecture,
Rangwala, c1998, Town planning charater publishing house, india.
Sabattini, B, 2008, Therualvermacular heritage and society in france, Futurepa A council of Europe Magazin
sangiorgi, F, 2008, The vernacular RuralHeritage: From the past to theFuture, FuturopaFuture ,Futuropa ,(A C0uncil of Europe Magazine)

از مصالح بادوام و شیوه‌های ساخت مناسب باعث افزایش عمر مفید ساختمان شده و درنتیجه در درازمدت کیفیت کالبدی مسکن حفظ خواهد شد.
از دیگر عوامل تغییر الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد پژوهشی توان به موارد زیر اشاره نمود:
۵. فراهم کردن ابزار تحلیلی مناسب و ارائه شناخت کامل از تحولات و دگرگونی‌ها ابعاد مختلف (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی) مسکن برای سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و نظارت بر سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین شده؛
۶. شناخت و تبیین روابط حاکم بر ابعاد مختلف مسکن
۷. ارزیابی نتایج حاصل از سیاست‌های مختلف در ابعاد مختلف مسکن و روابط حاکم بر آن‌ها؛ و
۸. پایه گذاری روابط صحیح میان ابعاد مختلف مسکن که می‌تواند در جهت تدوین سیاست‌های کارآمد، مؤثر باشد.

منابع و مأخذ

افراخته، حسن (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر برنامه ریزی سکونتگاه‌های روستایی، انتشارات پرهام نقش.
برومبژه و کریستیان (۱۳۷۰) مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، علاءالدین گوشه گیر، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران.
بهفروز، فاطمه (۱۳۷۴) زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران.
چپ من، دیوید (۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکانها در محیط انسان ساخت، شهرزاد فریدی، منوچهر طبیبیان، دانشگاه تهران.
درئو ماکس (۱۳۷۱) جغرافیای انسانی، جلد دوم، ترجمه سیروس سهامی، تهران، انتشارات رایزن.
رفیعی، مینو (۱۳۶۰) اقتصاد: مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، ایران.
زنجانی، حبیب... (۱۳۷۴) برآورد نیاز به مسکن در ۲۰ سال آینده، مجموعه مقالات اولین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد اول،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۹۶